

آنچه در آینه جوان ببیند پیر در خشت خام آن ببیند"

سعدی علیه الرحمه

بسیاری از جوان ها در برابر تجربه پیران و بزرگان احساس بی نیازی می کنند و بر اثر این پندار غرور آمیز، سال ها از عمر عزیز خود را در کسب تجربه ای می گذرانند که می توانستند سال ها پیش، بدون صرف وقت و به رایگان، آن را از بزرگان، بی منت و بی ادعا به دست آورند. هیچ کس بی نیاز از تجربه بزرگان و پیش کسوتان نیست؛ چراکه هم به استفاده بهینه از عمر می انجامد و هم اینکه تجربه های بزرگان پیش از ما، چون نردبانی است که تنها کافی است پا برپله های آن بگذاریم، آن وقت است که تا دوردست ها را نیز خواهیم دید .

آری تعالی و اوج به دست نخواهد آمد، مگر برای کسی که خشت برخشت گذشتگان بنهد. [دستاوردهای تجربی و علمی بزرگان و.....]

در قابوس نامه آمده است:

"و همه نشست و برخاست ها را با جوانان مدار، با بزرگان و پیران نیز مجالست کن. و رفیقان و ندیمان پیرو جوان آمیخته دار؛ از بهر آن که پیران و بزرگان چیزها دانند که جوانان ندانند".

عنصر المعالی در جای دیگری از قابوس نامه، فرزند جوانش را چنین نصیحت می کند :
اگر تو از گفتار من بهره ی نیکی نجویی، جویندگان دیگر باشند که شنودن و کار بستن سخن مرا غنیمت دارند، و اگر چه سرشت روزگار بر آن است که پسر جوان پند پدر خویش را به کار نبندد؛ چه، آتش در دل جوانان است، از روی غفلت، دانش خویش برتر از دانش پیران ببیند و در بند شنودن و به کار گرفتن تجربه از آنان نباشند .
عزالدین نسفی نیز می نویسد :

"ای درویش! هر بزرگی که تو را نصیحت کند و تجربه آموزد، باید که قبول کنی و بشنوی، و هر که فروتر باشد، باید که از وی نصیحت و تجربه را دریغ مداری؛ که قبول نصیحت کردن از بالا و نصیحت کردن به فروتر، کاری مبارک است و فواید بسیاری دارد. هر که نصیحت بزرگان قبول می کند، علامت نیک بختی است، و هر که نصیحت بزرگان قبول نمی کند، علامت بدبختی است."

یکی از توصیه های حافظ نیز که خود در عمل، سخت بدان پایبند بود، استفاده از راهنمایی پند و تجربه پیران و بزرگان بوده است. این پیرو بزرگ که حافظ گاهی از او به «خضر» و گاهی به «شعیب» و زمانی هم به «پیرمغان» و «مرغ سلیمان» تعبیر میکند، سرشار از آگاهی و تجربه است، به گونه ای که گوش شنوا داشتن در برابر پندهای او، هدف را نزدیک و شخص را از گمراهی و سرگردانی می رهاند.

- "نصیحت گوش کن جانا که از جان دوست تر دارند"

- " کلید گنج سعادت قبول اهل دل است."

" شبان وادی ایمن گهی رسد به مراد که چند سال به جان خدمت شعیب کند"

"قطع این مرحله بی مهری خضر مکن ظلمات است بترس از خطر گمراهی"

"من به سر منزل عنقا نه به خود بردم راه قطع این مرحله با مرغ سلیمان کردم"

"در این غوغا که کس، کس را نپرسد من از پیرمغان منت پذیرم"

افسوس! اگر جوانان می دانستند و اگر پیران می توانستند. «شور و نشاط و صلابت و قدرت» جوانان، اگر با تجربه و تدبیر پیران همراه شود، کیمیایی است که می تواند، مس وجودشان را به طلای ناب بدل سازد و از این روست که رهنمایان دین و اخلاق، پیوسته جوانان را به تجربه اندوزی و پندگیری از پیران موعظه می کنند حافظ شیرین سخن، رأی پیر را از بخت جوان، ارجمند تر می شمارد.

جوانا سرمتاب از پند پیران که رأی پیراز بخت جوان به

همچنین، اوشنیدن نصیحت پیران را مایه کمال انسان می داند:

پیران سخن به تجربه گویند گفتمت هان، ای پسر که پیرشوی، پند گوش کن

صائب تبریزی نیز صحبت پیران را نگه دارنده سلامت جوانان می شمارد:

جوانرا صحبت پیران حصار عافیت باشد/ به خاک و خون نشیندتیر، چون دور از کمان باشد

در گوش دارم این سخن از پیر می فروش کای طفل بر نصیحت پیران بدار گوش

در پناه حضرت حق مصون و محفوظ باشید.

واحد مشاوره توحید